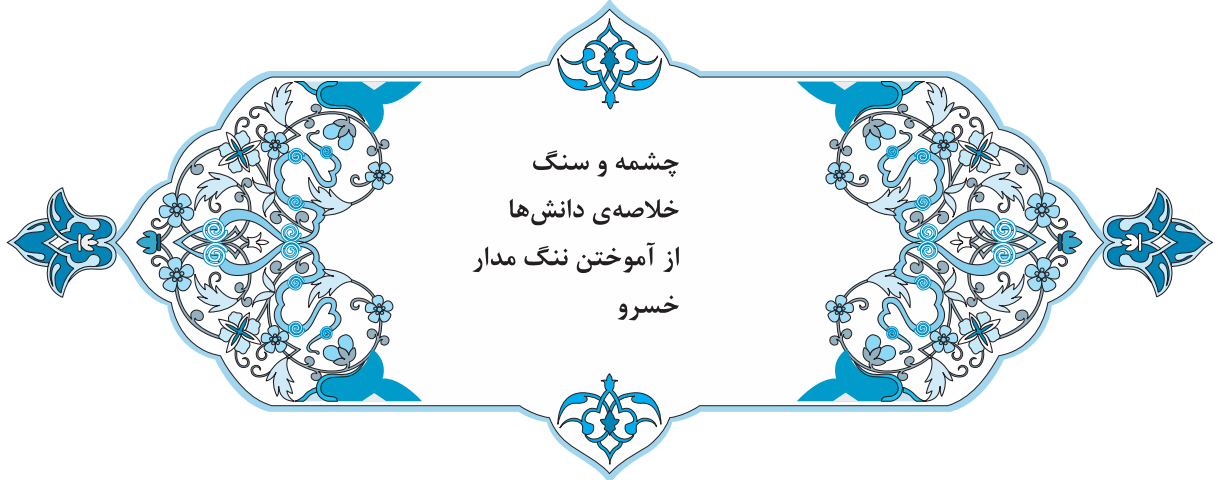


# فصل یکم



چشمه و سنگ  
خلاصه‌ی دانش‌ها  
از آموختن ننگ مدار  
خسرو





# چشم‌وسنگ

(درس اول)

جمله و اجزای آن

تکبر و خودستایی

کناپه و حس آمیزی

نماد و تشخیص

واژگان کلیدی



## قلمرو زبان

۱۲

### جمله و اجزای آن

۱) **جمله‌های دو جزئی:** در این جمله‌ها دو جزء اصلی نهاد و فعل وجود دارد.

قیدها و متمم‌های قیدی به کار رفته در آن، جزء اصلی جمله به شمار نمی‌آیند و قابل حذف هستند. فعل‌های مصاد «رفتن، دویدن، نشستن، افتادن، آمدن، خوابیدن، رسیدن و...» جمله‌ی دو جزئی می‌سازند.

**مثال**

- دوستم آمد.

- من روز گذشته به همراه دوستان همکلاسی‌ام به بازدید علمی رفتم.

۲) **جمله‌های سه جزئی:** این نوع جملات علاوه بر فعل و نهاد به یک جزء دیگر نیز نیاز دارند و به سه نوع زیر تقسیم می‌شوند:

**الف) جمله‌های سه جزئی با مفعول:** فعل‌های مصاد «پوشیدن، خوردن، گستردن، آوردن، دواندن، بردن، انداختن و...» علاوه بر نهاد به جزء دیگری نیاز دارند که به آن «مفعول» گویند. مفعول کلمه‌ای است که حرف نشانه‌ی «را» دارد یا می‌تواند بگیرد و در جواب «چه کسی را» و «چه چیزی را» می‌آید.

**مثال**

- نیما یوشیج شعر افسانه را سروده است.

- شعر ایرج میرزا حال و هوای شعر مشروطه را دارد.

**ب) جمله‌های سه جزئی با مسند:** فعل‌های مصاد «بودن»، «شدن» و هم معنی «شدن»، مثل «گشتن» و «گردیدن» و دیگر

مشتهق‌های آن‌ها (مانند است، می‌باشد، بود، شد، می‌شود و...) علاوه بر نهاد، مسند هم می‌گیرند و جمله‌ی سه جزئی مسنددار

می‌سازند.

**مثال**

- شعر آغاز درس زیبا بود.

**ج) جمله‌های سه جزئی با متمم:** فعل‌های مصاد «ترسیدن، جنگیدن، چسبیدن، نازیدن، هراسیدن، گنجیدن و...» علاوه بر

نهاد به یک جزء اصلی دیگر نیاز دارند که به آن متمم گویند. تفاوت این نوع متمم با متمم قیدی در آن است که قابل حذف

نیست.

**مثال**

«ایران به دانشمندان و ادیبان خود می‌نازد.»

### کنایه

در لغت به معنی «پوشیده سخن گفتن» است و در اصطلاح ادبی، بیان یک مطلب یا اصطلاح با دو معنای دور و نزدیک است؛ مقصود نویسنده، معنای دور آن است و معانی نزدیک و واقعی مقصود نویسنده را نمی‌رساند؛ برای مثال اصطلاح «روی کسی را زمین انداختن» کنایه‌ای است که معنای دور آن (دعوت کسی را نپذیرفتن) مورد نظر گوینده است. هم‌چنین اصطلاحات «سرخ شدن روی»، «سر در گریبان داشتن»، «بوی شیر دادن دهان کسی» و ... که در همگی آن‌ها معنای دور نویسنده یا گوینده مورد نظر است.

### تشخیص (جان‌بخشی)

نسبت دادن حالات و رفتار آدمی به دیگر پدیده‌های خلقت و اجسام بی‌جان است؛ برای مثال نویسنده در عبارت «کوه می‌نالد» صفت «نالیدن» را که از ویژگی‌های انسانی است به «کوه» نسبت داده است.

#### مثال

- ابر می‌گرید و می‌خندد از آن گریه چمن
- باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند
- سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد

### حس آمیزی

آمیختن دو یا چند حس در کلام است به گونه‌ای که بر تأثیر کلام بیفزاید و سبب زیبایی سخن شود.

#### مثال

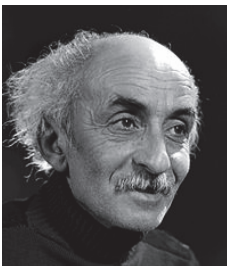
- نجوای نمناک علف‌ها را می‌شنوم (آمیختن حس لامسه با حس شنوایی)
- سعدی شیرین زبان، این همه شور از کجا؟ (آمیختن دو حس چشایی و شنوایی)

### نماد

هرگاه کلمه‌ای جز معنای اصلی، نشانه و مظهر معانی دیگری قرار گیرد، به آن نماد گفته می‌شود؛ مانند «چشمه» در شعر زیر که نماد «انسان خودخواه و خودنما» است. در ادبیات فارسی، «گل» نماد عشق و طراوت و ...، «لاله» نماد شهید، «آب» نماد پاک‌ی و زندگی ... است.

مفهوم کلی درس، بیانگر خودخواهی و تکبر چشمه و در نهایت سرگشته‌شدن و خاموش ماندن او در برابر شکوه و عظمت دریاست.

## تاریخ ادبیات



«نیمایوشیج»: علی اسفندیاری، متخلص به نیمایوشیج، فرزند ابراهیم در سال ۱۲۷۶ هـ.ش. در دهکده‌ی یوش از توابع نور مازندران متولد شد. استاد او در شعر «نظام وفا» بود و مهم‌ترین اثرش «افسانه» است. او در سال ۱۳۳۸ هـ.ش. بر اثر بیماری ذات‌الریه از دنیا رفت.»

### ۱- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله زن، چهره نما، تیزپا

**غلغله زن:** شور و غوغاکنان / **غلغله:** غوغا، شور، فریاد، هنگامه / **چهره نما:** خودنما، خودستا / تیزپا: شتابنده، تندرو، چابک

● قلمرو زبانی

**فعل اسنادی:** «گشت» جمله‌ی سه جزئی با مسند می‌سازد. / قید: «غلغله زن»، «چهره نما» و «تیزپا»

**قالب شعر:** مثنوی

**جان بخشی (تشخیص):** «غلغله زن، چهره نما و تیزپا بودن چشمه»

● قلمرو ادبی

**نماد:** «چشمه» در این درس، نماد «انسان خودخواه و مغرور»

**کنایه:** «چهره نما بودن» کنایه از «خودنمایی» و «تیزپا بودن» کنایه از «تندرو بودن»

**معنی:** چشمه‌ای با شور و فریاد و غوغاکنان و با خودنمایی و به سرعت از سنگی جدا شد.

● قلمرو فکری

**مفهوم:** خودنمایی چشمه

### ۲- گه به دهان برزده کف چون صدف گاه چو تیری که رود بر هدف

**قید زمان:** گه (مخفف «گاه»)

● قلمرو زبانی

**مضارع اخباری:** رَوَد (می‌رود)

**مراعات نظیر (تناسب):** «تیر و هدف» / جناس ناهمسان (ناقص): صدف و هدف / تشبیه: «چو تیر» و «چون صدف»

● قلمرو ادبی

**جان بخشی (تشخیص):** «دهان برای چشمه»

**معنی:** [چشمه] گاهی، کفی مانند صدف، به دهان آورده بود و گاهی مانند تیری که به سوی هدف می‌رود.

● قلمرو فکری

**مفهوم:** بیانگر سرعت مهارناپذیر چشمه است.

### ۳- گفت: درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا، منم

**معرکه:** عرصه، میدان و صحرا، میدان جنگ، ازدحام مردم در جایی / **گلبن:** بوته‌ی گل، گل سرخ، بیخ بوته‌ی گل

● قلمرو زبانی

**مسند:** «یکتا»

**تشبیه:** «من مانند تاج سر گلبن و صحرا هستم.» (من = مشبه / تاج ... = مشبه‌به)

● قلمرو ادبی

**مراعات نظیر (تناسب):** «گلبن و صحرا» و «تاج و سر»

**کنایه:** «تاج سر بودن» کنایه از «بزرگ و سرور بودن»، «عزیز بودن»

**معنی:** چشمه گفت: من در این عرصه و میدان، یکتا و بی‌مانند هستم و سرور همه‌ی گل‌ها و گیاهان (موجودات) می‌باشم.

● قلمرو فکری

**مفهوم:** غرور و تکبر چشمه را بیان می‌کند.

#### ۴- چون بدوم سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من

دوش: کتف، شانه (در متون دیگر به معنی «شب گذشته» نیز هست).  
حرف ربط: «چون» به معنی «وقتی که»  
واژه‌های مشتق: «سبزه» و «بوسه»

قلبرو زبانی

جان‌بخشی (تشخیص): «دویدن و آغوش، سر و دوش داشتن چشمه» و «بوسه زدن سبزه»

قلبرو ادبی

معنی بیت: هنگامی که می‌دوم (جاری هستم)، سبزه در آغوش من قرار می‌گیرد و سر و شانه‌ام را بوسه می‌زند.  
مفهوم بیت: بیانگر خودخواهی و خودشیفتگی چشمه است.

قلبرو فکری

#### ۵- چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من

شکن: پیچ و خم زلف، شکنج (در متون دیگر به معنای «چین و چروک» و «شکست» نیز هست).  
فعل مضارع التزامی: بگشایم (از مصدر «گشودن» با کلمات «گشوده، گشایش و ...» هم‌خانواده است).  
حرف اضافی «به» در معنای «در» به کار رفته است. / مفعول: «شکن»

قلبرو زبانی

جان‌بخشی (تشخیص): «مو گشودن چشمه» / «ماه ببیند» و «رخ ماه»  
مراعات نظیر (تناسب): «رخ، مو و شکن»

قلبرو ادبی

معنی: اگر پیچ و خم زلف‌های خود را از هم باز کنم، ماه چهره‌ی خود را در وجود صاف و زلال من می‌بیند.  
مفهوم: بیانگر پاکی و صافی و شفاف بودن چشمه است.

قلبرو فکری

#### ۶- قطره‌ی باران که در افتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک،

#### ۷- در بر من، ره چو به پایان برَد از خجلی سر به گریبان برَد

گهر: گوهر، هر یک از سنگ‌های قیمتی، مروارید / تابناک: روشن، درخشان / خجلی: شرمندگی، شرمساری / گریبان: یقه / بدمد (فعل مضارع اخباری از مصدر «دمیدن»): رویدن، سر از خاک درآوردن نبات، رُستن، در متون دیگر به معنای «وزیدن، طلوع کردن و ...» نیز هست.  
واژه‌های مشتق: «تابناک، خجلی» / واژه‌ی «ساده»: گریبان

قلبرو زبانی

موقوف‌المعانی: معنای بیت‌های ششم و هفتم به هم وابسته است.

جان‌بخشی (تشخیص): شرمنده شدن قطره‌ی باران

مجاز: «خاک» مجازاً «زمین»

قلبرو ادبی

استعاره: «گهر تابناک» استعاره از «گل‌های رنگارنگ» / مراعات نظیر (تناسب): «سر و گریبان»

جناس ناهمسان (ناقص): «سر و بر»

کنایه: «سر به گریبان بردن» کنایه از «شرمنده شدن، در فکر فرو رفتن»

معنی دو بیت: قطره‌ی بارانی که بر روی زمین می‌افتد و موجب رویدن گل‌های رنگارنگ طبیعت می‌شود، وقتی در مقابل من قرار می‌گیرد، از شرمندگی سر خود را پایین می‌اندازد.

قلبرو فکری

مفهوم دو بیت: بیانگر غرور و خودستایی و خودشیفتگی چشمه است.

### ۸- ابر ز من، حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد

حامل: بردارنده‌ی چیزی، حمل‌کننده (با واژه‌های «حمل، حامله، حمل، حامله، محموله، تحمل، متحمل و ...» هم‌خانواده است.) / پیرایه: زینت دادن با کاستن، زینت و زیور (با واژه‌های «پیرایش، پیرایشگاه، پیرایشگر و پیراستن» هم‌خانواده است.)

قلمرو زبانی

واژه‌ی مشتق: پیرایه (از بن مضارع + پسوند (پیرای + ه) ساخته شده است.)

جان‌بخشی (تشخیص): حامل سرمایه شدن ابر

قلمرو ادبی

معنی: ابر از وجود من بارور شد و زیبایی و نقش و نگار باغ از وجود من است.  
مفهوم: بیانگر خودستایی چشمه است.

قلمرو فکری

### ۹- گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

برازندگی: برازنده بودن، شایستگی، لیاقت  
واژه‌های مشتق: «برازندگی» و «زندگی» («گ» در هر دو واژه، واج میانجی است.)  
ترکیب‌های وصفی: «همه رنگ و برازندگی» (همه رنگ / همه برازندگی)

قلمرو زبانی

مراعات نظیر (تناسب): «گل و رنگ»

قلمرو ادبی

معنی: گل با همه‌ی زیبایی خود، زندگی‌اش را از روشنی وجود من می‌گیرد.  
مفهوم: بیانگر خودستایی و خودشیفتگی چشمه است.

قلمرو فکری

### ۱۰- در بُن این پرده‌ی نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟

بُن: بیخ و بنیاد، پایان، انتها / نیلوفری: (منسوب به نیلوفر)، به رنگ نیلوفر، لاجوردی / همسری: برابری، هم‌قد و قامتی، هم‌مرتبگی  
واژه‌های مشتق: «نیلوفری، همسری»

قلمرو زبانی

استعاره: «پرده‌ی نیلوفری» استعاره از «آسمان لاجوردی»  
پرسش تأکیدی (استفهام انکاری): در این بیت شاعر سؤالی را مطرح کرده است که به پاسخ نیاز ندارد و تنها برای تأکید بیش‌تر آمده است.

قلمرو ادبی

معنی: در زیر این آسمان لاجوردی (در این جهان) کسی نمی‌تواند با من برابری کند.  
مفهوم: بیانگر تکبر و خودخواهی است.

قلمرو فکری

۱۱- زین نمط آن مست شده از غرور  
رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور،  
۱۲- دید یکی بحر خروشنده‌ای  
سهمگنی، نادره جوشنده‌ای

نمط: روش، طریقه، ترتیب، شیوه / مبدأ: جای شروع، آغاز، مقابل مقصد؛ با واژه‌های «ابتداء، مبادی، بدایت، بدو، بادی و ...» هم‌خانواده است. بحر: دریا؛ با واژه‌ی «بهر» به معنی «نصب، قسمت، بخش، حظ» هم‌آواست. سهمگن: سهمگین، ترس‌آور، سهمناک/نادره: کمیاب، بی‌مانند، عجیب، گران‌مایه؛ جمع آن «نوادر»

قلعرو زبانی

واژه‌های «مشتق»: «خروشنده، سهمگین، جوشنده»

مراعات نظیر (تناسب): «بحر و خروشدگی» / جان‌بخشی (تشخیص): «مست شدن چشمه از غرور»  
نماد: «بحر» نماد «انسان با عظمت و ارزشمند جامعه»

قلعرو ادبی

معنی ابیات: هنگامی که آن چشمه‌ی مغرور و خودستا، اندکی از سرچشمه‌ی خود فاصله گرفت، دریای خروشان و شگفت‌انگیز و سهمناکی را در برابر خود دید.

قلعرو فکری

۱۳- نعره بر آورده، فلک کرده کر  
دیده سیه کرده، شده زهره در

نعره: یک‌بار فریاد کردن، فریاد و فغان به بانگ بلند/ فلک: سپهر، آسمان / زهره‌در: ترسناک، وحشتناک؛ (زهره: کیسه‌ی زرداب، پوستی است کیسه مانند چسبیده به کبد و محتوی زرداب (صفر) است.) / واژه‌های ساده: «نعره و زهره» / واژه‌ی مشتق: «دیده»

قلعرو زبانی

کنایه: «[گوش] فلک را کر کردن» کنایه از «بلند و ترسناک بودن آواز» / «زهره دریدن» کنایه از «ترسناک بودن»

قلعرو ادبی

جان‌بخشی (تشخیص): «نعره بر آوردن بحر» و «کر شدن گوش فلک»

معنی: [دریا] چنان فریاد بلندی می‌کشید که گوش آسمان را کر می‌کرد و بسیار ترسناک و سهم‌آور بود. مفهوم: بیانگر عظمت و سهمناکی دریاست.

قلعرو فکری

۱۴- راست به مانند یکی زلزله  
داده تنش بر تن ساحل، یله

راست: عیناً، درست / یله داده: لم داده، تکیه داده به چیزی؛ (یله: آزاد، رها)  
ترکیب وصفی: «یکی زلزله» (یک زلزله)  
قید: «راست»

قلعرو زبانی

تشبیه: بحر (دریا) مانند یک زلزله بود. / استعاره: «تن ساحل» (اضافه‌ی استعاری)  
جان‌بخشی (تشخیص): «تن داشتن ساحل» و «تکیه دادن (یله دادن) دریا»

قلعرو ادبی

معنی: آن دریای خروشان دقیقاً مانند یک زلزله، بر تن ساحل تکیه زده بود. مفهوم: بیانگر عظمت و قدرت دریاست.

قلعرو فکری

- ۱۵- چشمه‌ی کوچک چو به آن جا رسید      وان همه هنگامه‌ی دریا بدید  
 ۱۶- خواست کزان ورطه، قدم درکشد      خویشتن از حادثه برتر کشد  
 ۱۷- لیک چنان خیره و خاموش ماند      کز همه شیرین‌سخنی، گوش ماند

هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت / ورطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت/ خیره: سرگشته، حیران، فرومانده / فعل اسنادی: ماند(شد) / واژه‌ی «ساده»: «خیره و هنگامه»

قلمرو زبانی

جان‌بخشی(تشخیص): «چشمه، هنگامه‌ی دریا را دید» و «خواستن و قدم درکشیدن و خیره و خاموش ماندن چشمه»

مراعات نظیر(تناسب): «چشمه و دریا» و «سخن و گوش»

حس‌آمیزی: «دیدن هنگامه» و «شیرین سخنی»

کنایه: «از همه شیرین سخنی گوش ماندن (شدن)» کنایه از «ساکت و خاموش گشتن»

قلمرو ادبی

معنی: هنگامی که چشمه‌ی کوچک به دریا رسید و آن همه عظمت و خروش دریا را دید، می‌خواست تا خود را از مهلکه نجات دهد و از آن‌جا فرار کند اما چنان سرگشته و حیران شد که با وجود آن همه خودستایی و سخنوری، سکوت اختیار کرد.

قلمرو فکری

مفهوم: بیانگر احساس حقارت و درماندگی چشمه (انسان‌های مدعی و مغرور) در مقابل عظمت و شکوه دریا (انسان‌های بزرگ و باعظمت) است.



## تاریخ ادبیات

داستان‌های صاحب‌دلان: اثر محمد محمدی اشتهاردی (۱۳۲۳ - ۱۳۸۵) است. او در این مجموعه، ذیل پنج فصل، احادیث، روایات و داستان‌هایی درباره‌ی هم‌نشینی و آداب معاشرت را نقل کرده است.

## خلاصه‌ی دانش‌ها

دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید و به او گفت: چرا به جای تحصیل علم، چوپانی می‌کنی؟  
چوپان در جواب گفت: آن‌چه خلاصه‌ی دانش‌هاست، یاد گرفته‌ام.

دانشمند گفت: خلاصه‌ی دانش‌ها چیست؟

چوپان گفت: پنج چیز است:

- تا راست تمام نشده، دروغ نگویم. - تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم.

- تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم. - تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه‌ی دیگری نروم.

- تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام، از هوای نفس و شیطان غافل نباشم.

دانشمند گفت: حقاً که تمام علم را دریافته‌ای. هرکس این پنج خصلت را داشته باشد، از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

هم‌خانواده‌ها: دانشمند (دانش، دانشگاه، دانا، دانایی) / تحصیل (حاصل، محصول، محصل) / حرام (احترام،

حرمت، محروم، تحریم)

واژه‌های مشتق: دانش، دانشمند، چوپانی و...

واژه‌ی مرکب: سیراب

ترکیب‌های اضافی: تحصیل علم، خلاصه‌ی دانش

ترکیب‌های وصفی: آن‌چه، مال حلال و ...

جمله‌های سه جزئی: جمله‌های «حقاً که تمام علم را دریافته‌ای» و «هرکس این پنج خصلت را داشته باشد»

و ... سه جزئی گذرا به مفعول هستند.

قلجرو زبانی

تضاد: «راست و دروغ»، «حلال و حرام»

تشبیه: آب حقیقت (حقیقت به آب تشبیه شده است).

قلجرو ادبی

مفاهیم کلی گنج حکمت:

۱- راست‌گویی / ۲- به دنبال روزی حلال بودن / ۳- عیب‌جویی نکردن از دیگران / ۴- روزی خواستن از درگاه

خداوند / ۵- غافل نبودن از هواهای نفسانی

قلجرو فکری

## پیش‌های تشریحی

### قلمرو زبان

۱. برای واژگان مشخص‌شده‌ی جملات زیر، معادل‌های معنایی بنویسید.  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰، بیت ۲ و صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳، بیت ۳، ۵ و ۱۶)  

الف) تاج سر گلین و صحرا منم	ب) خواست کزان ورطه قدم درکشد
ج) الهی فضل خود را یار ما کن	د) چون بگشایم ز سر مو، شکن
۲. در گروه کلمات زیر غلط‌های املائی را بیابید و صحیح آن‌ها را بنویسید.  
(کتاب درسی، واژگان صفحه‌ی ۱۰ و ۱۲)  
«قلقله‌زن و غوغاکنان - نمط و شیوه - بهر خروشنده - معرکه و میدان جنگ - حقارت قطره - هلال و حرام - خلتاق و رزاق - فروغ روی»
۳. برای کلمات زیر دو هم‌خانواده بنویسید.  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰، بیت ۵ و صفحه‌ی ۱۲، بیت ۸)  
الف) پیرایه      ب) حقیقت
۴. نام اجزای اصلی جمله‌ی زیر را مشخص کنید.  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مشابه تمرین ۳)  
گل از شوق تو خندان در بهار است.

### قلمرو ادبی

۵. در هر یک از ابیات زیر دو آرایه‌ی ادبی مشخص کنید.  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۳، بیت ۱۴)  
الف) راست به مانند یکی زلزله      داده تنش بر تن ساحل، یله  
ب) اگر دشنام فرمایی و گر نفرین، دعا گویم/ جواب تلخ می‌زبید لب لعل شکرخا را
۶. برای هر یک از شاعران زیر یک اثر شعری معرفی کنید.  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰ و ۱۳)  
الف) عطار نیشابوری      ب) نیما یوشیج
۷. با توجه به شعر زیر، «قطره» نماد چه کسانی است؟  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مشابه تمرین ۲)  
«یکی قطره باران ز ابری چکید  
که جایی که دریاست من کیستم؟  
خجل شد چو پهنای دریا بدید  
گر او هست حقاً که من نیستم»

### قلمرو کلامی

۸. معنی و مفهوم ابیات زیر را به نثر امروزی و ساده بنویسید.  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰، بیت ۴ و صفحه‌ی ۱۲، بیت ۲ و صفحه‌ی ۱۳، بیت ۱)  
الف) گه به دهان، بر زده کف چون صدف  
ب) زین نمط آن مست‌شده از غرور  
ج) زهی گویا ز تو کام و زبانه‌م  
گناه چو تیری که رود بر هدف  
رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور  
تویی هم آشکارا هم نهانم
۹. با توجه به شعر زیر چه چیزی موجب بلندمرتبگی قطره شده است؟  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مشابه تمرین ۲)  
«یکی قطره باران ز ابری چکید  
چو خود را به چشم حقارت بدید  
بلندی از آن یافت کو پست شد  
خجل شد چو پهنای دریا بدید  
صدف در کنارش به جان پرورید  
در نیستی کوفت تا هست شد»
۱۰. در بیت زیر کدام صفت گوینده‌ی کلام، بارز است؟  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۲، بیت ۳)  
«گفت درین معرکه، یکتا منم  
تاج سر گلین و صحرا، منم»

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰، بیت ۱)

که پیدا کرد آدم از کفی خاک  
آفرید او شهسواران جلیل  
تو با بنده در پرده و پرده پوش

۱۱. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- الف) به نام کردگار هفت افلاک  
ب) آن خداوندی که از خاک ذلیل  
ج) برآورده مردم ز بیرون خروش

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



(کتاب درسی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳، بیت‌های ۵ و ۱۴ تا ۱۷)

۱۲. معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟  
(ورطه: زمین پست)، (حکمت: تقدیر)، (خیره: بیهوده)، (یله: پهلوان)، (هنگامه: جمعیت مردم)، (شکن: تاب زلف)

- ۱) یک  
۲) دو  
۳) سه  
۴) چهار

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳، بیت‌های ۱ تا ۱۵)

۱۳. معنی واژگان همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... تماماً درست آمده است.

- ۱) زهره در، تیزپا، همسری: بسیار ترساننده، شتابنده، برابری  
۲) گلبن، زهره، هنگامه: گل سرخ، شجاعت، غوغا  
۳) سهم، معرکه، پیرایه: ترس، میدان، آرایش  
۴) برازندگی، شکن، نادره: دارندگی، پیچ، بی‌مانند

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۳، بیت ۱۴)

۱۴. معنی موردنظر از واژه‌ی «راست» در بیت زیر، در کدام گزینه تکرار شده است؟

«راست به مانند یکی زلزله  
داده تنش بر تن ساحل یله»

- ۱) خبـــــر زان چه بگذشت یا بود خواست  
۲) همه کس به یک خوی و یک خواست نیست  
۳) به نهـــــاد و خو و صورت به پدر ماند راست  
۴) ای خوی تو ستوده و رای تو چون تو راست

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۳، مشابه بیت ۱۴)

۱۵. واژه‌ی «راست» در همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... معنایی یکسان دارد.

- ۱) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک  
۲) ژاله بر لاله فرود آمده هنگام ســـــحر  
۳) ز سوی خزر نای رویین بـــــخاست  
۴) فاخته راست به کردار یکی لـــــعبگر است

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰، بیت ۱۰ و ۱۲ و ۱۳، بیت‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۶)

۱۶. در همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... غلط املائی وجود دارد.

- ۱) زین نمط آن مست شده از غرور  
۲) خاست کزان ورطه قدم درکشد  
۳) دید یکی بهر خروشنده‌ای  
۴) زحی گویا ز تو، کام و زبانم

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مکمل تمرین ۴)

۱۷. همه‌ی گروه‌های اسمی مشخص شده به‌جز گزینه‌ی ... در جایگاه «مفعول» قرار گرفته‌اند.

- ۱) چـــــگونه شکر این نعمت گزاریم  
۲) جز این را کز سماعش بی‌قراریم  
۳) شب و روزی به غفلت می‌گذاریم  
۴) کـــــه با چندین گننا امیدواریم

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مکمل تمرین ۳)

۱۸. نقش کدام یک از واژه‌های مشخص شده نادرست آمده است؟

- ۱) چو در وقت بهار آیی پدیـــــدار  
۲) تویی رزاق هر پیدا و پنهـــــان  
۳) فروغ رویت اندازی سوی خـــــاک  
۴) گل از شوق تو خندان در بهار است

۱۹. در گروه کلمات زیر، به ترتیب، چند واژه‌ی «ساده»، «مرکب» و «مشتق» وجود دارد؟ (کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳، واژگان ابیات ۱ تا ۱۵)  
«تیزپا - دانا - حقیقت - گویا - عجایب - چهره‌نما - پدیدار - چشمه - تابناک - گریبان - پیرایه - زهره‌در - زلزله»

- ① سه - سه - پنج  
② پنج - چهار - شش  
③ چهار - سه - شش  
④ چهار - پنج - هفت

۲۰. در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ... هم ترکیب اضافی و هم ترکیب وصفی به کار رفته است.

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۰، بیت ۷ و صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳، بیت‌های ۳، ۹ و ۱۲)

- ① ابر ز من حاملِ سرمایه شد  
② گل از شوق تو خندان در بهار است  
③ قطره‌ی باران که درافتد به خاک  
④ چشمه‌ی کوچک چو به آن جا رسید  
باغ ز من صاحب پیرایه شد  
از آتش رنگ‌های بی‌شمار است  
زو بدمد بس گهر تابناک  
وان همه هنگامه‌ی دریا بدید

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳، واژگان ابیات ۱ تا ۱۵)

- ① سبزه، سهمگن، چوپانی، زندگی  
② گلبن، خلاصه، حکمت، بی‌شمار  
③ شیرین، دانش، صاحب‌دل، نادان  
④ بیابان، دانشمند، خروشنده، خندان

۲۱. واژگان کدام گزینه تماماً «مشتق» هستند؟  
۲۲. نام اجزای اصلی تشکیل‌دهنده‌ی بیت زیر، در کدام گزینه ذکر شده است؟ (کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مکمل تمرین ۳)

- «گشت یکی چشمه ز سنگی جدا»  
① نهاد - مفعول - فعل  
② نهاد - متمم - مسند - فعل  
③ نهاد - مسند - فعل  
④ نهاد - مفعول - مسند - فعل

(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۳، بیت ۱۱)

- ① گفت در ایمن معرکه، یکتا منم  
② زین نمط آن مسست‌شده از غرور  
③ دید یکی بحر خروشنده‌ای  
④ گل به همه رنگ و برازندگی  
تساج سر گلبن و صحرا، منم  
رفت و ز مبدا چو کمی گشت دور  
سهمگنی، نادره جوشنده‌ای  
می‌کند از پرتو من زندگی

## مسرودلی

۲۴. کدام آرایه در بیت زیر به کار نرفته است؟  
«شکر در کام من تلخ است بی‌دیدار شیرینش»  
(کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مشابه تمرین ۴)

- ① جان‌بخشی (تشخیص)  
② تشبیه  
③ تضاد  
④ حس‌آمیزی

۲۵. کنایه‌ی موجود در کدام گزینه با کنایه‌ی بیت زیر مفهومی یکسان دارد؟ (کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۲، بیت ۷)

- «در بر من، ره چو به پایان برد»  
① تو سر ناز بر آری ز گریبان هر روز  
② تا ندادند سر من تردامنی  
③ همی‌کرد فریاد دامان به چنگ  
④ عود است زیر دامن یا گل در آستینت  
از خجلی سر به گریبان برد  
ما ز جورَت سر فکرت به گریبان تا چند  
خون دل سر در گریبان می‌خورم  
مرا مانده سر در گریبان ننگ  
یا مشک در گریبان بنمای تا چه داری

۲۶. در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی ... «حس‌آمیزی» به کار رفته است. (کتاب درسی، صفحه‌ی ۱۴، مکمل تمرین ۴)

- ① بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید  
② کامم از تلخی غم چون زهر گشت  
③ خار ارچه جان بکاهد، گل عذر آن بخواهد  
④ آن که در طرز غزل نکته به حافظ آموخت  
از یسار آشنا سخن آشنا شنید  
بانگ نوش شاد خواران یاد باد  
سهل است تلخی می در جنب ذوق و مستی  
یسار شیرین سخن نادره گفتار من است

۲۷. با توجه به ابیات، آرایه‌های «تشبیه، جناس، حس‌آمیزی، کنایه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (کتاب درسی، آرایه، ترکیبی)

- الف) از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر  
ب) من که قول ناصحان را خواندمی قول رباب  
ج) بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت  
د) من آن آیینه را روزی به دست آرم سکندروار  
① الف، ب، ج، د  
② د، ج، الف، ب  
یسادگاری که در این گنبد دوآر بماند  
گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس  
کنار آب رکن آباد و گلگشت مصلأ را  
اگر می‌گیرد این آتش، زمانی ور نمی‌گیرد  
③ د، الف، د، ج  
④ ج، د، الف، ب

(کتاب درسی، آرایه، ترکیبی)

سزد اگر همه دلبران دهندت باج»

(کتاب درسی، صفحه ۱۱، بیت ۵)

- ۱ حقیقت، پورده برداری ز رخسار (تشبیه)
- ۲ کز همه شیرین سخنی گوش ماند (حس آمیزی)
- ۳ داده تنش بر تن ساحل یله (جان بخشی)
- ۴ بوسه زند بر سر و بر دوش من (مراعات نظیر)

(کتاب درسی، صفحه ۱۰ و ۱۶)

۲۸. آرایه‌های موجود در بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

«تویی که بر سر خوبان کشوری چون تاج

- ۱ جان بخشی، واج آرای، تلمیح، تشبیه
- ۲ تشبیه، کنایه، تناسب، جناس
- ۳ جناس، مجاز، تلمیح، تشخیص
- ۴ تضاد، تناسب، کنایه، واج آرای

۲۹. آرایه‌های کدام بیت نادرست آمده است؟

- ۱ چو در وقت بهار آبی پدیدار
- ۲ لیک چنان خیره و خاموش ماند
- ۳ راست به مانند یکی زلزله
- ۴ چون بدوم سبزه در آغوش من

۳۰. آثار عطار نیشابوری و محمد محمدی اشتهاردی در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ شاهنامه - داستان‌های صاحب‌دلان
- ۲ منطق‌الطیر - قابوس‌نامه
- ۳ الهی‌نامه - داستان‌های صاحب‌دلان
- ۴ مقامات‌الطیور - سیاست‌نامه

## قرنبروری

(کتاب درسی، صفحه ۱۳، مشابه مفهوم بیت ۱۱)

- عرض و مال و دل و دین در سر مغروری کرد  
نباید کرد بیش از حد که هیبت را زیان دارد  
تکبر به خاک اندر اندر اندازدت  
که در سرگرانی است قدر بلند؟

(کتاب درسی، صفحه ۱۱، مشابه مفهوم بیت ۱۱)

- خاک را جز باد نتواند پریشان داشتن  
چون شنید انجام فرعونان و عاد  
مبادا کس به زور خویش مغرور  
زان که دارد صد بدی در زیر او

(کتاب درسی، صفحه ۱۲ و ۱۳، مشابه مفهوم ابیات ۱ تا ۱۱)

- رند از ره نیاز به دارالسلام رفت  
چین قهای قیصر و طرف کلاه کی  
کز کبر به جایی نرسیده است کسی  
چو مرگ آید چه دربان و چه فغفور (پادشاه چین)

(کتاب درسی، صفحه ۱۰، بیت ۸)

- یقین دانسم که بی شک جان جانی»  
چه جای کلک بریده زبان بیهوده گوشت  
خاموشی از ثنای تو حد ثنای توست  
وصف تو به گفت بر نمی‌آید  
با همه کربوبان عالم بالا

(کتاب درسی، صفحه ۱۰، بیت ۳)

- تویی خلاق هر دانا و نادان  
خلاق بنده پرور و رزاق رهنما  
مگر بهر آسایش مفلسان  
همه آشکار و نهان از من است  
در بن چاهی به زیر صخره صما (سخت و محکم)

۳۱. مفهوم کدام بیت در تقابل نسبی با مفهوم سایر ابیات است؟

- ۱ حافظ افتادگی از دست مده زان که حسود
- ۲ تواضع گرچه محبوب است و فضل بیکران دارد
- ۳ تواضع سر رفعت افزادت
- ۴ گمان کی بر مردم هوشمند

۳۲. مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱ باد بیرون کن ز سر تا جمع گردی بهر آنک
- ۲ عاقل از سر بنهد این مستی و باد
- ۳ ز مغروری کلاه از سر شود دور
- ۴ همان مشو مغرور ز آن گفت نکو

۳۳. مفهوم همه‌ی گزینه‌ها به جز ... یکسان است.

- ۱ زاهد غرور داشت سلامت نببرد راه
- ۲ بگذر ز کبر و ناز که دیده است روزگار
- ۳ از کبر مدار هیچ در دل هوسوی
- ۴ نشاید شد به جاه و مال مغرور

۳۴. کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- «هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی  
زبان ناطقه در وصف شوق نالان است  
سعدی ثنای تو نتواند به شرح گفت  
وصل تو به وهم در نمی‌آید  
ما نتوانیم حق حمد تو گفتن

۳۵. کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

- تویی رزاق هر پیدا و پنهان  
دادار غیب‌دان و خداوند آسمان  
به منعم نداده است روزی رسان  
ز من هست روزی و جان از من است  
حاجت موری به علم غیب بداند

(کتاب درسی، صفحه ۱۰، مشابه مفهوم بیت ۳)

گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود  
خدای است رزاق و روزی‌رسان  
بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت  
قانع شدن به رزق مقدر نکوتر است

(کتاب درسی، صفحه ۱۶، پاراگراف ۲)

همان دوری از کزی و کاستی  
ور ببارد بر او بلا چو تگرگ  
کسی کاو راستگو شد محتشم گشت  
ز من راستی‌ها نشاید نهفت

(کتاب درسی، صفحه ۱۶، پاراگراف ۵)

چو خواهی که تاج از تو گیرد فروغ  
اگر دروغ تو نیکوست، راست نیکوتر  
سوی راستی نیستم دسترس  
دروغ است سرمایه مر کافری را

(کتاب درسی، صفحه ۱۶، پاراگراف ۸)

روزی از او خـواه که روزی‌ده اوست  
گر ز خوان توست نانش ور ز خوان خویشتن  
به سوی عیب چون پویی گر او را غیب دان بینی  
که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود

(کتاب درسی، صفحه ۱۶، پاراگراف ۷)

عیب خود می‌پوشد از چشم خلاق، عیب پوش  
بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن  
تا نشوی از نَقَسِ عیب‌دار  
خلق را پاک بازگشت و مآب (بازگشتن)

(کتاب درسی، صفحه ۱۲، بیت ۱۰)

کیست کند با چو منی همسری؟  
آن تازگی دهد که به نیلوفر آفتاب  
نیستم غافل از سپهر کبود  
نخواهد شدن رام با کس به مهر  
به دل در همی‌داشت آرام مهر

۳۶. همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... قرابت مفهومی دارند.

- ۱) بر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد
- ۲) کرم نیست روزی ز خوان کسان
- ۳) رزق را روزی‌رسان پر می‌دهد
- ۴) گرچه نکوست رزق فراخ از قضا و لیک

۳۷. همه‌ی گزینه‌ها به‌جز ... با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

«تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.»

- ۱) ندیدیم چیزی به از راستی
- ۲) مرد باید که راستگو باشد
- ۳) ز کژگویی سخن را قدر کم گشت
- ۴) بگویم بدو آن سخن‌ها که گفت

۳۸.

مفهوم مقابل عبارت «تا راست، تمام نشده، دروغ نگویم.» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) زبان را مگردان به گرد دروغ
- ۲) دروغ زیر خبر دان و راست زیر عیان
- ۳) سرمایه‌ی من دروغ است و بس
- ۴) به نظم اندر آری دروغی طمع را

۳۹. همه‌ی ابیات به‌جز بیت ... با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

«تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه‌ی دیگری نروم.»

- ۱) بر در او رو که از اینان به اوست
- ۲) هر که را بینی به گیتی روزی خود می‌خورد
- ۳) عطا از خلق چون جویی گر او را مال ده‌گویی
- ۴) دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر

۴۰.

همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی ... با عبارت زیر قرابت مفهومی دارند.

«تا از عیب و گناه خود، پاک نگردم، عیب مردم نگویم.»

- ۱) پرده‌ی مردم دریدن، عیب خود بنمودن است
- ۲) به پیر می‌کده گفتم که چیست راه نجات
- ۳) عیب نمایی مکن آیین‌ه‌وار
- ۴) سوی او تاب کز گناه به اوست

۴۱.

معنی موردنظر از «پرده‌ی نیلوفری» در بیت زیر، از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

«در بُنِ ایمن پرده‌ی نیلوفری

- ۱) روی چو آفتاب به چشم چو نرگست
- ۲) گـر ز خود غافلم به باده و رود
- ۳) بر این گونه خواهد گذشتن سپهر
- ۴) برین نیز بگذشت چندی سپهر





پاسخنامه  
تشریحی  
گزینه‌نامه  
۱ چشم و سوز

پاسخنامه‌ی پرسش‌های تشریحی

۱. الف: بوته‌ی گل، گل سرخ، بیخ بوته‌ی گل / ب: زمین پست، مهلکه، هلاکت / ج: احسان، بخشش، افزونی، برتری / د) پیچ و خم زلف
۲. در میان واژگان صورت سؤال، سه واژه غلط املائی دارد: «غلغله‌زن، بحر خروشنده، حلال و حرام».
۳. الف) پیرایشگاه، پیراستن / ب) حق، حقوق، تحقیق
۴. گل: نهاد / خندان: مسند / است: فعل اسنادی ← جمله سه جزئی گذرا به مسند
۱۹. (از شوق تو و در بهار: متمم قیدی هستند و جزء اصلی جمله به شمار نمی‌آیند).
۵. الف: تشبیه (دریا به زلزله تشبیه شده است) / تشخیص (جان‌بخشی): تن ساحل
۲۰. ب: تضاد: (دعا و نفرین) / حس آمیزی: (جواب تلخ)
۶. الف) الهی‌نامه یا هر اثر درست دیگر / ب) افسانه
۷. انسان‌های فروتن و متواضع
۸. الف) [آن چشمه] گاهی، کفی مانند صدف، به دهان آورده بود و گاهی مانند تیر به سوی هدف جاری بود. / ب) به همین شیوه آن [چشمه] مغرور می‌رفت. وقتی که از سرچشمه دور شد ... / ج) خدایا، آفرین بر تو که زبانم از تو گویاست. تو برای من هم آشکار و هم پنهان هستی.
۹. ترک خودخواهی و فروتنی قطره
۱۰. خودخواهی یا خودستایی یا خودشیفتگی
۱۱. بیت‌های «الف و ب» به آفریده شدن انسان از مشتی خاک دلالت می‌کند. بیت «ج»، همراهی خداوند با انسان را بیان می‌کند.

پاسخنامه‌ی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۲. گزینه ۲  
حکمت: دانایی، دانش، معرفت، فرزاندگی، مصلحت، صلاح / یله: رها کرده شده، آزاد، مطلق، رها
۱۳. گزینه ۴  
برازندگی: سزاواری، زیبایی، لیاقت، شایستگی
۱۴. گزینه ۳  
واژه‌ی «راست» در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی «۳» در معنای «به عینه، دقیقاً، کاملاً و ...» به کار رفته است.  
گزینه‌ی «۱» راست: درست، بی‌غلط  
گزینه‌ی «۲» راست: برابر، یکسان  
گزینه‌ی «۴» راست: صواب، درست
۱۵. گزینه ۳  
واژه‌ی «راست» در گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» به معنی «عیناً، دقیقاً، به عینه و ...» و در گزینه‌ی «۳» به معنی «صاف و مستقیم» به کار رفته است.

۱۶.

گزینه ۱

گزینه‌ی «۲» خاست: خواست / گزینه‌ی «۳» بهر: بحر / گزینه‌ی «۴» زحی: زهی

۱۷.

گزینه ۲

«دیدنش» در بیت گزینه‌ی «۲» مضاف‌الیه و «را» در مصراع اول، نشانه‌ی فک اضافه است که بین مضاف و مضاف‌الیه فاصله ایجاد کرده است؛ بازگردانی بیت:

من نمی‌دانم صفت (ویژگی) دیدار خداوند چگونه است اما این را می‌دانم که از شنیدن خبر ملاقات او بی‌قرار هستیم.

۱۸.

گزینه ۱

«حقیقت» به معنای «حقیقتاً» در نقش قیدی به کار رفته است.

۱۹.

گزینه ۲

واژه‌های ساده: «حقیقت – عجایب – گریبان – زلزله»

واژه‌های مرکب: «تیزپا – چهره‌نما – زهره در»

واژه‌های مشتق: «دانا – گویا – پدیدار – چشمه – تابناک – پیرایه»

۲۰.

گزینه ۱

در این بیت، «حامل سرمایه» و «صاحب پیرایه» ترکیب اضافی‌اند و ترکیب وصفی در این بیت به کار نرفته است.

گزینه‌ی «۲»: ترکیب وصفی: رنگ‌های بی‌شمار / ترکیب اضافی: شوق تو

گزینه‌ی «۳»: ترکیب وصفی: گهر تابناک / ترکیب اضافی:

قطره‌ی باران

گزینه‌ی «۴»: ترکیب وصفی: چشمه‌ی کوچک، آن‌جا، آن همه هنگامه / ترکیب اضافی: هنگامه‌ی دریا

۲۱.

گزینه ۱

گزینه‌ی «۲»: «شیرین» ساده و «صاحب‌دل» مرکب است.

گزینه‌ی «۳»: «گلبن» مرکب است و «خلاصه» و «حکمت» ساده‌اند.

گزینه‌ی «۴»: «بیابان» ساده است.

۲۲.

گزینه ۳

فعل «گشت»، اسنادی و گذرا به مسند است.

یک چشمه: نهاد / جدا: مسند / گشت: فعل اسنادی

سایر اجزا قابل حذف هستند و فعل جمله به آن‌ها نیاز ندارد.

۲۳.

گزینه ۲

«گشت» فعل اسنادی و «دور» مسند است.

۲۴.

گزینه ۱

گزینه‌ی «۲»: تضاد: تلخ، شیرین / شکر (حلوا)، زهر

گزینه‌ی «۳»: تشبیه: حلوا (مشبه)، زهر (مشبه‌به)

گزینه‌ی «۴»: حس آمیزی: دیدار شیرین

۲۵.

گزینه ۳

«سر در گریبان بودن» در بیت صورت سؤال و گزینه‌ی «۳» کنایه از «شرمندگی و خجالت کشیدن» است.

گزینه‌ی «۱»: «سر فکرت به گریبان داشتن» ← در حال

اندیشه و تفکر بودن



گزینه ۲  
مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط  
«روزی رسانی» است. اما بیت گزینه ۲، بیانگر این  
مفهوم است که خداوند نعمت‌هایش را در اختیار افراد منعم  
(ثروتمند) قرار داده است تا آن‌ها نیز به مستمندان ببخشند.

گزینه ۴  
مفهوم مشترک ابیات مرتبط «رزاق بودن یا روزی‌رسانی  
خداوند» است. اما پیام بیت گزینه ۴ «توصیه به قناعت  
و راضی بودن به رزق مقرر» است.

گزینه ۴  
مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و بیت‌های مرتبط، توصیه  
به صداقت و پرهیز از دروغ‌گویی است، اما مفهوم بیت گزینه  
«۴» پنهان نکردن «حقایق و واقعیت‌ها» است؛ «راستی» در  
بیت گزینه ۴ به معنی «حقیقت یا واقعیت» است.

گزینه ۳  
عبارت صورت سؤال در بیان پرهیز از دروغ و توصیه به  
راست‌گویی است اما در بیت گزینه ۳ «دروغ‌گویی  
تحسین شده است.

گزینه ۱  
گزینه ۱: «نکوهش دروغ‌گویی  
گزینه ۲: «ترجیح صداقت بر دروغ‌گویی  
گزینه ۴: «دروغ سرمایه‌ی کافری است (نکوهش دروغ و  
طمع‌ورزی)

گزینه ۲  
سفارش عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط این است که  
«روزی‌بخش حقیقی خداوند است و روزی را باید از خداوند طلب  
کرد، اما در بیت گزینه ۲ به این موضوع اشاره شده است که  
هر مخلوقی روزی مقرر خود را خواهد داشت.

گزینه ۴  
مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و ابیات مرتبط، تأکید بر  
عیب‌پوشی و مفهوم بیت گزینه ۴ «توصیه به «روی آوردن  
به درگاه حق برای بخشودگی و پاک شدن گناهان» است.

گزینه ۲  
در بیت صورت سؤال منظور از «پردی نیلوفری» آسمان  
لاجوردی است؛ در بیت گزینه ۲ «نیز مقصود از «سپهر  
کبود» آسمان آبی یا لاجوردی است.  
گزینه ۱: «نیلوفر» ← گل نیلوفر  
گزینه ۳: «سپهر» ← روزگار  
گزینه ۴: «سپهر» ← روزگار

از آموختن تنگ مدار

۲

پاسخ‌نامه  
تشریحی

پاسخ‌نامه‌ی پرسش‌های تشریحی

۴۲ الف) «گردی» منصرف شوی / ب) «گردد»: شود  
۴۳ حق شناس: مرکب / قبیله: ساده / امیدوار: مشتق

گزینه ۲: «سر در گریبان بودن و خون دل خوردن» ←  
ناراحت بودن و تأسف خوردن  
گزینه ۴: «مشک در گریبان داشتن» ← خوشبو و معطر بودن

گزینه ۳  
تلخی می = «تلخ بودن شراب» حس آمیزی نیست.  
گزینه ۱: «شنیدن بو (آمیختن دو حس شنوایی و بویایی)  
گزینه ۲: «تلخی غم (آمیختن دو حس)  
گزینه ۴: «شیرین سخن (آمیختن دو حس چشایی و شنوایی)

گزینه ۲  
د) تشبیه: من (مشبه)، سکندر (مشبه‌به)  
ج) جناس: ساقی، باقی  
الف) حس آمیزی: دیدن صدای سخن عشق (آمیختن دو  
حس شنوایی و بینایی)  
ب) کنایه: گوشمالی دیدن ← تأدیب شدن، تنبیه شدن

گزینه ۲  
تشبیه: تو (مشبه)، تاج (مشبه‌به) / کنایه: «تاج سر کسی بودن»  
کنایه از «ارزشمند بودن، موجب سربلندی و افتخار بودن» /  
تناسب: «سر، تاج» و «خوبان، دلبران» / جناس: «تاج، باج»

گزینه ۱  
در بیت گزینه ۱، تشبیه به کار نرفته است.  
گزینه ۲: «شیرین سخنی» حس آمیزی  
گزینه ۳: «تن ساحل» جان‌بخشی  
گزینه ۴: «سر، دوش، آغوش» مراعات نظیر

گزینه ۳  
«الهی‌نامه» اثر عطار و «داستان‌های صاحب‌دلان» اثر  
محمد محمدی اشتهاردی است.

گزینه ۲  
مفهوم کلی ابیات گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ به تواضع و ترک غرور  
توصیه می‌کند و مفهوم بیت دوم تقریباً عکس آن است.

گزینه ۴  
واژه «مغرور» در گزینه ۴ به معنی «فریفته و  
گول‌خورده» است و مفهوم تکبر از آن دریافت نمی‌شود.  
مفهوم کلی بیت «هشدار به مخاطب برای فریب نخوردن»  
است اما مفهوم سایر ابیات «برحذر داشتن از تکبر و غرور و  
خودبینی» است.  
«خاک» در مصراع دوم بیت گزینه ۱، به معنی «انسانِ خاکی»  
است.

گزینه ۴  
مفهوم مشترک ابیات مرتبط، «نکوهش غرور و تکبر» و  
مفهوم بیت گزینه ۴ «توصیه به این است که نباید فریب  
مال و مقام دنیا را خورد.

گزینه ۱  
مفهوم بیت گزینه ۱ «ناوانی شاعر در شرح «اشتقاق» است اما  
مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط، عجز گوینده در  
توصیف عظمت کردگار هستی است.

۴۴. «حرمت، تحریم» / «قربان، مقرب» / «باطل، بطالت»
۴۵. رنج: رنجش، رنجیده / بیگانگی: بیگانگی
۴۶. حریف: ساده (نکته: «ی» نکره واژه‌ی مشتق نمی‌سازد).  
قوی پنجه: مشتق - مرکب / حسابگری: مشتق / بازوبند: مرکب
۴۷. الف) ناشنوایی: سه جزء معناساز «نا، ا، ی» / ب) بی‌مسئولیتی: سه جزء معناساز «بی، یت، ی» / ج) رهایش: دو جزء معناساز: «ا، - ش» / د) نخواندنی: سه جزء معناساز: «ن- ن، ی»
۴۸. تضاد: «هنر و عیب»
۴۹. الف) خروس سنگ‌دل: استعاره و تشخیص / «سنگ‌دل» کنایه از بی‌رحم / ب) «سپر بینداخت» کنایه از «تسلیم شد»
۵۰. الف) بیت سه تشبیه دارد: کشتی عمر، موج شوق، بحر فراق / ب) بیت دو تشبیه دارد: همچو شمع، پروانه‌ی مراد
۵۱. با بیت «ب» قرابت معنایی دارد. مفهوم مشترک: هر دو به ارزش آموختن دلالت می‌کنند.
۵۲. در درس آمده است: «بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند»
۵۳. گندم‌نمای جوفروش نباش. (ریاکار و دورو نباش)
۵۴. الف): «نادرست» معنای صحیح: رعایت انصاف و به عدالت رفتار کردن درباره‌ی خود / ب) مفهوم درست آمده است.
۵۵. خویشنداری: بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی.
- واقع‌بینی: پیران قبیله‌ی خویش را حرمت دار، ولیکن به ایشان مولع مباش تا هم‌چنان که هنر ایشان همی‌بینی، عیب نیز بتوانی دید.
۵۶. الف) مخور طعمه جز خسروانی خورش / که جان یابدت زان خورش پرورش
- ب) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را کز طبع جانوری
۵۷. الف) در زمان کوتاه / ب) پرحرفی
- پاسخ‌نامه‌ی پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۵۸. گزینه ۳  
مولع: حریص، آزمند
۵۹. گزینه ۳  
آزمند: مولع، حریص / دروغ: محال، سخن بی‌اصل / مستغنی: بی‌نیاز / تیمار: خدمت و محافظت از کسی که بیمار باشد، اندیشه
۶۰. گزینه ۴  
رسته: رهاشده، نجات یافته / میاسا: آسوده نباش، آرام نگیر
۶۱. گزینه ۱  
«گردیدن» در بیت گزینه‌ی «۱» به معنی «عراض کردن، برگشتن، دور شدن» است اما در عبارت صورت سؤال و گزینه‌های «۲، ۳ و ۴» به معنی «تحول، دگرگون شدن و تغییر یافتن» به کار رفته است.
- گزینه ۴  
«گردیدن» در عبارت گزینه‌ی «۴» به معنی «روی آوردن» و در سایر عبارات به معنی «تغییر یافتن و دگرگون شدن» آمده است.
- گزینه ۲  
غرابت ← قرابت (خویشاوندی)
- گزینه ۳  
واژه‌های مشتق: فردوسی، بی‌ماند، دهشتناک، سهمگین  
واژه‌های مرکب: شورانگیز، شاهنامه، یک‌دیگر، خداداد، آسیب‌پذیر
- گزینه ۳  
واژه‌های ساده: «بیابان، بزرگان، اطاعت، بیگانگی، مردمان، حرمت، قبیله، ایمن»  
توجه: «ان» در «بزرگان» نشانه‌ی جمع است و واژه را مشتق نمی‌سازد.
- گزینه ۳  
در بیت گزینه‌ی «۳»، واژه‌های «سیم‌تن» و «سروقد» مرکب‌اند و واژه‌ی مشتق به کار نرفته است.  
گزینه‌ی «۱»: مرکب: بت‌رو / مشتق: دیده، دیدار  
گزینه‌ی «۲»: مرکب: سرخوش / مشتق: بی‌تدبیر، جوانی، پنجه  
گزینه‌ی «۴»: مرکب: سیم‌اندام / مشتق: بوستان، چوبین
- گزینه ۴  
در بیت گزینه‌ی «۴» فقط یک واژه‌ی مرکب «دست‌آموز» و در سایر گزینه‌ها دو واژه‌ی مرکب به کار رفته است.  
گزینه‌ی «۱»: خوشه‌چین، خرمن‌سوز  
گزینه‌ی «۲»: کام‌جو، نوروز  
گزینه‌ی «۳»: صبح‌رو، جهان‌افروز
- گزینه ۳  
گزینه‌ی «۱»: «حرم، حریم، حرمت»  
گزینه‌ی «۲»: «راهرو، ره» / «حریم، حرم»  
گزینه‌ی «۴»: «قدر، مقدار»
- گزینه ۳  
فعل «باد» در هر دو مصراع این بیت، فعل دعایی است.  
گزینه‌ی «۱»: وفاداری کن (بکن: انجام بده) ← فعل امر  
گزینه‌ی «۲»: بکن، انداز(بینداز) ← فعل امر  
گزینه‌ی «۴»: بده ← فعل امر
- گزینه ۳  
در این بیت فعل «ده: بده» امر است.  
گزینه‌ی «۱»: مفروش ← نفروش (فعل نهی)  
گزینه‌ی «۲»: مگذار ← نگذار (فعل نهی)  
گزینه‌ی «۴»: منه ← نگذار (فعل نهی)
- گزینه ۴  
قابوس‌نامه تألیف عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر است.
- گزینه ۳  
واژه‌ی «داد» در هر دو مصراع بیست گزینه‌ی «۳» در یک معنا به کار رفته است.